

## ولایت فقیه

### ولایت مطلقه فقیه:

در تعریف ولایت فقیه آمده است: ولایتی (اختیار و وظایفی) است که از جانب خدا به فقیه (مجتهد جامع شرایط) داده می‌شود.



بعضی از فقها معتقدند که محدوده ولایت فقیه تنها سه حوزه‌ی امور حسبیه، فتوا و قضاوت است. اما برخی دیگر از فقها، از جمله امام خمینی، بر این باورند که فقیه علاوه بر سه حوزه‌ی قبل، در امور سیاسی و اجتماعی نیز ولایت و مسئولیت دارد.

این دیدگاه که دامنه‌ی اختیارات و وظایف ولی فقیه را گسترده‌تر از سه حوزه قبل می‌داند، ولایت مطلقه فقیه نامیده می‌شود.

منظور از ولایت مطلقه فقیه، ولایت بی حد و مرز نیست؛ بلکه این یک اصطلاح فقهی است.

### ادله عقلی ولایت فقیه:

- برای اداره یک جامعه، وجود یک حاکم الزامیست. بدیهی است فردی که می‌خواهد حاکم بر جامعه شیعی باشد، باید شیعه بوده و به خوبی به مسائل آن عمل کند. همچنین برای اداره یک جامعه،

داشتن تدبیر و قدرت مدیریت، امری ضروری است؛ لذا می‌گوییم فقیه باید عالم، عادل و مدیر و مدبر باشد.

• بسیاری از شبهات و مشکلات با فهم درست توحید برطرف می‌شوند. توحید یعنی «تنها خداوند ولی ماست»؛ چرا که او خالق ماست و ما هم تنها عبد اویم. خداوند انسانی برگزیده را به عنوان پیام‌آور خود می‌فرستد؛ اگر از او اطاعت کنیم، از خدا اطاعت کرده‌ایم. پس از ۲۳ سال مجاهدت رسول اکرم (ص)، خداوند از طریق ایشان ماجرای امامت را به عنوان برنامه‌ای برای دوران بعد از پیامبر آشکار می‌کند. در حقیقت امامت، اقتضای توحید است. پس از اتمام دوران امامت امامان در سال ۲۶۰ نیز، طبق بیان خدا و معصومین، بحث ولایت فقیه مطرح می‌شود.

**فقیه، نزدیک‌ترین فرد به معصوم است. در واقع ولایت فقیه، به توحید بر می‌گردد.**

## مسئولیت فقیه؛ ولایت یا وکالت؟

ما در حوزه دین دو نوع علم داریم:

▪ **علم کلام:** که موضوع آن خدا و فعل خداست. مسائلی مانند وحی، نبوت و... که مستقیماً به کار و فعل خدا ارتباط دارد.

▪ **علم فقه:** که موضوع آن انسان‌ها و مسائل مربوط به آنهاست. مانند نماز، روزه، حج و...

بحث ولایت فقیه مربوط به «فعل خدا» است؛ لذا در حیطه‌ی علم کلام قرار می‌گیرد. در این صورت بحث وکالت که یک بحث فقهی است، مردود است و آنچه فقیه دارد ولایت است نه وکالت. به طور کلی، حیطه اختیارات ولی فقیه نیز همین موضوع را اقتضا می‌کند؛ زیرا مسائلی مانند حکم صلح یا جنگ، اقامه حدود و... از مسائلی هستند که حکم آنها از طرف خداست. اصل ولایت فقیه یک بحث کلامی است اما دو حکم فقهی نیز دارد:

(۱) چون این ولایت بر فقیه است، بر او واجب است که این مسئولیت را بپذیرد.

(۲) اطاعت از ولی فقیه، بر مردم واجب است.

## تفاوت ولایت و وکالت:

• در وکالت، اصالت رای و تصمیم‌گیری با موکل است و محدوده اختیارات او را نیز موکل تعیین می‌کند. اما فقیه چون ولایتش را از خدا گرفته است، اختیارش دست خداست و حیطه این ولایت، بر اساس چارچوبی که دین تعیین کرده است، شکل می‌گیرد.

• وکیل قبل از وکالت بر موکل حقی ندارد؛ اما امامت امام، قبل از بحث مقبولیت مردم، نصب و تعیین شده است. ولی فقیه نیز پیش از طرح بحث مردم و مقبولیت مردم، این ولایت را از سوی خدا، پیامبر

و امام با طی سلسله مراتب دریافت کرده است.

## حاکم اسلامی در غیبت کبری:

امام صادق (ع)، در مقبوله عمر بن حنظله و امام زمان (عج)، در توقیع شریف خود؛ ویژگی‌هایی را برای فردی که از سوی امام حاکم می‌شود، بیان می‌کنند.

به حکم عقل در هر موضوع، باید به افراد متخصص در آن حوزه رجوع کرد. در اینجا نیز برای تشخیص کسی که این ویژگی‌ها را دارد، یک مجمع از مجتهدین مجتهدشناس به نام «**خبرگان رهبری**» تشکیل می‌شود. این مجمع تعیین می‌کند که کدام فرد در سه حوزه علم، عدالت و کفایت، اعلم‌تر است.

## وظیفه‌ی خبرگان رهبری:

پس از اثبات ولایت داشتن فقیه بر امت، در می‌یابیم که امر ولایت، امری است که از جانب خدا به پیامبر رسیده و پیامبر آن را به امام داده است؛ و امام به فقیه. پس نصب و تعیین ولی فقیه به دست مردم یا مجلس خبرگان نیست؛ بلکه وظیفه مجتهدان خبرگان رهبری، کشف و تشخیص کسی است که شاخصه‌های بیان شده توسط امام را، برای حاکمیت دارد.

در انتخاب فقیه، سه حالت وجود دارد:

- گاهی در بین فقها، یک فرد اعلم‌تر است. در اینجا تنها او ولی فقیه است.
- گاهی چند فقیه، در حوزه‌های یاد شده در یک رتبه‌اند. در این حالت پذیرش ولایت بر این فقها واجب کفایی است؛ یعنی یک نفر از آنها باید ولایت را بپذیرد و با پذیرش او، این مسئولیت از عهده دیگران ساقط است.
- گاهی هیچ‌کدام از فقها به تنهایی این شرایط را (علم، تقوا و عدالت، کفایت) در حد مطلوب ندارد؛ در این صورت ولایت فقیه به صورت شورای ولایت فقیه خواهد بود.

## مخالفان ولایت فقیه:

روایات مورد استناد مخالفان ولایت فقیه:

«هر علمی پیش از ظهور برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.»

«مهدی؛ زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، همانگونه که از ظلم و جور پُر شده است.»

## بررسی روایات مورد استناد مخالفان ولایت فقیه:

### ❖ «هر علمی پیش از ظهور برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.»

گروهی با استناد به این روایت، ولایت فقیه را زیر سوال می‌برند و انقلاب را اشتباه می‌دانند.

- از آنجایی که روایات مانند قرآن قطعی‌الصدور نیستند و صرفاً گزارش و خبری است که امکان دروغ بودن آن وجود دارد، لذا معیاری داریم که طبق آن، باید روایت بر میزان قرآن عرضه شود و در صورت مغایرت با اصول و خطوط کلی قرآن، آن روایت کذب است. و این عقیده مخالف عقل و بسیاری از آیات قرآن در رابطه با مبارزه با استکبار است.

- با بررسی واژه‌ی طاغوت در قرآن و روایات، در می‌یابیم که منظور از طاغوت در این روایت و امثال آن، قیام‌هایی نظیر بنی‌عباس و مانند آن است که به اسم اسلام و قرآن، اما در حقیقت برای دعوت مردم به سوی خود و رسیدن به قدرت و سلطنت برپا می‌شوند؛ نه قیام‌هایی که با هدف زمینه‌سازی ظهور شکل می‌گیرند.

- از سویی دیگر، روایات متعددی در تجلیل از قیام‌های پیش از ظهور داریم. برای مثال پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مردمانی از مشرق قیام می‌کنند که هدف قیامشان، زمینه‌سازی برای ظهور است» از آنجا که دسته‌ای از روایات، مسئولیت آفرین هستند و پذیرش و عمل به آنها سختی‌هایی را به همراه دارد؛ عده‌ای برای فرار از این مسئولیت به چنین روایاتی روی می‌آورند.

### ❖ «مهدی؛ زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، همانگونه که از ظلم و جور پُر شده است.»

این گروه معتقدند که ما باید به پرشدن عالم از ظلم کمک کنیم تا امام زودتر ظهور کنند.

- به دلایل عقلی و نقلی، پر شدن دنیا از ظلم و جور، شرط ظهور نیست. اگر این چنین باشد، باید برخلاف قرآن و سنت عمل کرد و زیر پا گذاشتن قرآن و سنت، به حکم عقل باطل است؛ چرا که مبارزه با ظلم قبل از آنکه پشتوانه نقلی داشته باشد، پشتوانه عقلی دارد.
- طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، علت اصلی پر شدن دنیا از ظلم و جور؛ نبودن خود امام، پیروی نکردن از امر خدا و خانه‌نشین کردن معصومین است. که این وضع جز با ظهور امام زمان درست نمی‌شود.
- انسان همواره در مبارزه با باطل به کمال می‌رسد. یک معنای پر شدن دنیا از ظلم این است که هرچه جبهه حق مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهد، ظلم و فشار از سمت دشمن بیشتر می‌شود، تا جایی که خداوند اذن فرج را برای کسانی که این شایستگی را اثبات کرده‌اند، می‌دهد.

# تفاوت حکومت اسلامی با جمهوری اسلامی:

در حکومت اسلامی، همه‌ی عزل و نصب‌ها به دست حاکم اسلامی یعنی شخص پیامبر یا امام است. اما در جمهوری اسلامی، این امر با رای مردم صورت می‌گیرد و رهبری مسئولیت نظارت را بر عهده دارد. قدرت اجرایی و قوه مجریه با رای مردم انتخاب می‌شود. مطابق قانون، ولی‌فقیه اجازه ورود به بسیاری از عرصه‌ها را ندارد، و تنها زمانی که اصل نظام را در خطر ببیند، شخصاً اقدام می‌کند.



تدریس استاد ابادری

موضوع: ولایت فقیه

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مصاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)